

## خلاصه چهار چوب نظری زمینه گرایی

### نظام نشانه‌ای در ساختار شهر از منظر زمینه گرایی

رویکرد زمینه‌گرا در شهرسازی در بُعد اندیشه، نقاط عزیمتی برای دستیابی به شهر منسجم محسوب می‌شود و

در این رویکرد می‌توان شهر را به مثابه نظام نشانه‌ای در ابعاد کالبدی، تاریخی، انسان‌گرایانه و اجتماعی - فرهنگی، مورد واکاوی قرار داد.

زمینه‌گرایی دیدگاهی است که به ویژگی‌های خاص یک مکان و به کارگیری آن‌ها در طراحی معاصر، توجه دارد.

از این رو، در عین حال که به گونه‌ای ضمنی به تمایز مکانی نظر دارد، به صراحت، تداوم ارزش‌های کالبدی و غیرکالبدی مکان یا زمینه موجود را خواستار است.

با این حال، ایجاد ارزش‌های جدید (تحول) را نفی نمی‌کند.

از سوی دیگر، از آن‌جا که به ارتباط میان شکل - زمینه یا توده - فضا نظر داشته و کل حاصل از این ارتباط را ارزشمند می‌داند،

به طور ضمنی به اصل وحدت/ کثرت نیز اشاره دارد. رویکرد اصلی زمینه‌گرایی، درک ارزش‌های زمینه و تداوم آن‌ها در آینده است. طبق تعریف:

«زمینه‌گرایی سازگاری با زمین کالبدی، تاریخی و اجتماعی - فرهنگی،،،،، است

که بر طبق آن ایده‌ها و اشکال گذشته در شکل دادن به کالبد شهرهای معاصر حضور دارند. شهرساز زمینه‌گرا باید قادر باشد ویژگی‌های یک مکان را دریابد و آن را بخشی از فرآیند طراحی خود قرار دهد.»

### محتویات

- [۱ زمینه‌گرایی](#)
- [۲ زمینه‌گرایی در معماری](#)
- [۳ از نظر پست‌مدرن‌ها](#)
- [۴ مقیاس زمینه‌گرایی](#)
- [۵ زمینه‌گرایی کالبدی](#)

- ۶ زمینه‌گرایی تاریخی
- ۷ زمینه‌گرایی اقلیمی
- ۸ زمینه اجتماعی – فرهنگی
- ۹ زمینه‌گرایی حسی
- ۱۰ ابعاد توسعه پایدار
- ۱۱ عرصه کار معماران
- ۱۲ منابع

## زمینه‌گرایی

زمینه (context) در لغت به معنای مجموعه شرایط یا واقعیت‌های است که یک سوژه (سایت مورد نظر) را در بر می‌گیرد و

همچنین به معنای شرایطی که چیزی در آن اتفاق می‌افتد و به شما کمک می‌کند تا آن را درک کنید. مراد از زمینه همان متن بستر و محیطی است که معماری در آن شکل می‌گیرد و هم محتوا و شکل را در بر می‌گیرد.

هر پدیده در محیط پیرامون خود تأثیر می‌گذارد و از آن تأثیر می‌گیرد و در تعامل با یکدیگر هستند. به‌طور کلی زمینه‌گرایی سازگاری با زمینه‌های کالبدی تاریخی و اجتماعی فرهنگی است .

فرهنگ لغت آکسفورد، «زمینه‌گرایی» را یک نظریه که بر اهمیت نقش زمینه‌ی تحقیق در مورد یک سوال خاص تأکید >> معنای هر شی ریشه در روابط آن با اشیای دیگر دارد. و در معماری و (Oxford, 2013) دارد، تعریف می‌کند. (Wolford, 2004) شهرسازی، زمینه‌گرایی بین گستره کالبدی یک مکان و یا محیط بصری متن آن، روابطی را ایجاد می‌کند زمینه‌گرایی به عنوان رویکردی کل‌نگر در طراحی محیط مصنوع، با ارج نهادن به ساختار ذهنی و عینی متن و زمینه به ( 2004 )، مثابه رویدادی تکاملی در ابعاد کالبدی، طبیعی، تاریخی، اجتماعی فرهنگی – و با پیوند دادن درک و دریافت مخاطب با زمینه ، انسجام بخشی زمینه مند، محیط مصنوع در ابعاد عینی و ذهنی را مراد و هرگونه آرمانی را مشروط به شرایط از پیش موجود می‌نماید . در طراحی یک مکان، رجوع به پیشینه و زمینه‌ی آن ضروری است، چرا که در غیر این صورت، حاصل کار به جای آنکه واجد کیفیتی قابل فهم و ریشه دار باشد، صرفاً کیفیتی ناپایدار و محدود به زمان را عرضه می‌نماید.

زمینه، محیط و مجموعه پیرامونی یک عنصر است. تفکر زمینه گرایانه، زمینه را رویدادی تاریخی می داند که عناصر شهری در درون آن ساخته و شناخته می شوند. این تفکر، شاید ریشه های متفاوت با بوم گرایی و سنت گرایی داشته باشد، اما بیشتر محصول مشابه، هماهنگ و یکسانی دارد. به طور کلی زمان دقیق آغاز این جنبش ها قابل تعیین نیست، زیرا با آغاز دوران تجدد و در پی بریدن از سنت ها و بی توجهی به ویژگی های محلی و بومی و بی تفاوتی نسبت به سلیق و علایق مردم، این نهضت ها به مرور سر بر آورده و مورد توجه قرار گرفته اند. کانتکست (context) از واژه ی لاتین contextus ریشه گرفته که اشاره به ارتباط میان کلمات و انسجام میان آنها دارد. فعل آن contexere است که به معنای درهم بافتن و در هم تافتن است. بنابراین، context در اصل به هم تافتن و مرتبط ساختن کلمات و جمالت به منظور ساختن یک سخن یا گفته است. از این رو، context یعنی ارتباط، اتصال، هم نشینی و هم بافی میان اجزاست. زمینه (context) در لغت به معنای مجموعه شرایط یا واقعیت های است که یک موقعیت یا شرایط را در بر می گیرد و همچنین به معنای شرایطی که چیزی در آن اتفاق می افتد و به شما کمک می کند تا آن را درک کنید. مراد از زمینه همان متن، بستر و محیطی است که معماری در آن شکل می گیرد و هم محتوا و شکل را در بر می گیرد. هر پدیده بر محیط پیرامون خود تاثیر می گذارد و از آن تاثیر می گیرد و در تعامل با یکدیگر هستند.

## زمینه گرایی در معماری

معماری زمینه گرا به ضرورت توجه به محیط پیرامون اثر معماری تأکید دارد

و بر این باور است که توازن میان معماری و محیط می تواند هم برای خود اثر و هم برای زمینه عاملی مؤثر و تقویت کننده باشد.

زمینه گرایی الگویی است برای خلق محیط مطلوب تر لذا شناخت و آگاهی بیشتر و درکی عمیق تر نسبت به زمینه و محیط برای معماران و طراحان امری ضروری و اجتناب ناپذیر است.

معماری زمینه گرا تلاشی است برای نشان دادن توان محیط مطلوب بصری در مقیاسی کلان تر از معماری پیام معماری زمینه گرا ضرورت توجه به محیط کالبدی پیرامون اثر معماری است

.بر زمین مداری و پیوند محیط با فضا تأکید دارد و با درک پیام بستر خود شکل می گیرد و در واقع پیامی را که بستر معماری به او انتقال داده به عینیت رسانده و طراحی می کند.

در نتیجه ساختمان جز کوچک از طبیعت پیرامون خواهد بود. در این نوع معماری هر بنایی بر اساس زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و کالبدی اقلیمی و شرایط خاص آن سایت و ساختمان طراحی و اجرا می‌گردد

## از نظر پست‌مدرن‌ها

شرایط زیر فرم ساختمان‌ها را تعیین می‌کند :

۱. خصوصیات فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و اقتصادی ،،،، افراد که از آن ساختمان استفاده می‌کنند .

۲. خصوصیات شهری، خیابان، میدان، کوچه و مغازه

۳. شرایط اقلیمی، رطوبت، سرما، گرما، جنگل و صحرا

۴. نحوه زندگی روزمره اهالی ساختمان و نیازهای آنها، پیش‌زمینه‌های ذهنی آنها در رابطه با فرم‌های زیستی

## مقیاس زمینه‌گرایی

در معنای کلی می‌توان گفت که آغاز زمینه‌گرایی محله است اما زمینه‌گرایی در دو جهت خرد و کلان بسط می‌یابد.

زمینه‌گرایی در مقیاس کلان به منطقه‌گرایی می‌رسد و

در مقیاس خرد به حال و هوای درونی بنا می‌رسد.

اما وجه جهانی منطقه‌گرایی نیز از حد منطقه فراتر رفته و بُعدی جهانی می‌یابد؛

بدین سان معماری زمینه‌گرا خود را اگرچه عمیقاً در مکان فرو می‌برد اما حضور خود را تا دوردست‌ها تا شهرها و کشورها تا جهان و کیهان برمی‌افرازد .

## زمینه‌گرایی کالبدی

در زمینه‌گرایی، اجزای شکل شهر به تنهایی ارزیابی و مطالعه نمی‌شوند،

بلکه در زمینه وسیع‌تر محیطی قرار می‌گیرند. یک اثر معماری با نظام بزرگ‌تر شهری مرتبط است و در سلسله مراتبی از مجموعه‌ها قرار دارد.

بنابراین، زمینه‌گرایی پیوند میان معماری و شهرسازی در زمینه‌ای معین است. به عبارت دیگر، زمینه جایی است که معماری و شهرسازی را به هم مربوط می‌سازد.

گرایش شهرسازان به ساخت و ساز در مجموعه موجود به معنی درهم بافتن نو و کهنه به نحوی است که بتواند یک کل زنده و مطلوب ایجاد کند.

عناصری چون فرم و شکل، مقیاس، تناسبات، جزئیات مصالح، بافت، رنگ‌ها، هندسه، دسترسی‌ها، جهت‌گیری، چشم‌اندازها و پرسپکتیو، توپوگرافی محل، وضعیت پوشش گیاهی، بافت شهری شامل میزان تراکم بناها، خیابان‌ها و پیاده‌روها و نسبت آن‌ها با یکدیگر، جنس مصالح، ترکیب‌بندی مصالح، ترکیب احجام و فرم‌ها در کنار یکدیگر، سازماندهی فضاها، همجواری بناها با یکدیگر، پیوند بناهای قدیمی و نو، خط آسمان، خط زمین و نوع اتصال به زمین و بسیاری از این مسایل را در بر می‌گیرد.

## زمینه‌گرایی تاریخی

شواهد تاریخی معماری و شهرسازی گویای این است که در گذشته معماری و شهرسازی در توازن با محیط زیست شکل می‌گرفته معماری سنتی با گرایش به سمت پایداری بوم‌شناختی و اجتماعی با احترام و توجه به منابع طبیعی و حفظ آن برای آیندگان شکل گرفته‌است.

توجه به نیروهای زوال‌ناپذیری همچون آفتاب و باد و استفاده از آن‌ها برای بهبود بخشیدن به شرایط حرارتی فضای زیستی از دیرباز معمول بوده‌است.

توجه به زمینه کالبدی، مستلزم دارا بودن دیدگاهی تاریخ‌گرایانه به شکل شهر و توجه به اهمیت گذشته در شکل دادن به حال و آینده‌است.

تاریخ‌گرایان بر این عقیده‌اند که گذشته، برای شهرسازان کنونی درس‌هایی عینی دارد. اگر جامعه‌ای خود را از گذشته جدا کند، تلاش انسان گذشته را بیهوده انگاشته است. به گفتهٔ پوپر: «ما تحقیقی را انتخاب می‌کنیم که سابقه‌ای از تکامل علم در پشت آن نهفته است و سعی در ادامهٔ آن داریم. باید از آنچه گذشتگان انجام داده‌اند بهره بگیریم. اگر بخواهیم در علم پیشرفت کنیم باید بر شانه پیشکسوتان بایستیم و سنت خاصی را ادامه دهیم.» جوهر جامعه و توسعهٔ آن به سنت پیوند خورده است.

انسان، در یک کلمه، طبیعتی ندارد، آنچه دارد تاریخ است. تنها فرق میان تاریخ انسان و تاریخ طبیعی آن است که تاریخ انسان هرگز نمی‌تواند از ابتدا آغاز شود. چندین هزار سال است که حیوانات روز خود را همانند گذشته آغاز می‌کنند، اما در مورد انسان، قطع استمرار تاریخی تحقیر حیات گذشته اوست. بسیاری از معماران معاصر، علاقمند به حفظ ارزش‌های موجود در بخش‌های تاریخی شهر و کاربرد آن‌ها در طرح‌های جدید خود بوده‌اند. اعتقاد به تداوم در این گفته راب کریز بارز است: «تاریخ اجازه انقطاع نمی‌دهد، بنابراین، هرآنچه در شهر انجام می‌شود باید به لحاظ شکلی، پاسخی به شرایط فضایی از قبل موجود باشد»

### زمینه‌گرایی اقلیمی

توجه به اقلیم زمینه و فاکتورهای اقلیمی که در آن معماری می‌کنیم می‌تواند سکوی پرشی برای پرواز به سوی معماری پایدار باشیم.

دقت به این مهم راه برای استفاده از نیروی طبیعی نظیر خورشید باد و آب و غیره می‌کند و استفاده از منابع فسیلی را به حداقل می‌رساند لذا توجه به فاکتورهای اقلیمی منطقه نظیر خصوصیات اقلیمی هر زمینه باد- باران- تغییرات دمای هوا در شب و روز - دمای هوا- جریان هوا- وضعیت آسمان- آفتاب تابش و غیره امری ضروری است

زمینه اجتماعی - فرهنگی:

زمینه اجتماعی - فرهنگی را می‌توان مولد ارزش‌های شکل دهنده سکونت‌گاه انسانی دانست. زمینه گرایان اجتماعی - فرهنگی معتقدند که فرهنگ مجموعه قواعدی را می‌آفریند که شکل ساخته شده بازتابی از آن است.

مردم به کمک فرهنگ یک مجموعه ارزش‌ها، باورها، جهان‌بینی و نظام‌های نمادی مشترک به محیط خود معنی می‌دهند و فضای خالی را به مکان تبدیل می‌کنند.

به تعبیر راپاپورت، سازمان‌دهی محیط مصنوع، شامل سازمان‌دهی معنی نیز می‌شود که آن ویژگی‌های کالبدی نظیر: مصالح، رنگ، ارتفاع، اندازه و مقیاس، خاصیت ارتباطی و نمادین دارد.

عناصر کالبدی در محیط، معانی متفاوتی دارند و این معانی به طور نظام یافته‌ای به فرهنگ پیوند خورده‌اند. مردم در مجموعه‌های کالبدی متفاوت، هنجارهای رفتاری متناسب با آن را که توسط فرهنگ تعریف شده انجام می‌دهند.

بحث فوق نشان می‌دهد که در این رویکرد آنچه با زمینه موجود ناهماهنگ و نامتجانس است، قابل پذیرش نیست. به عبارت دیگر، افزودن یا ترکیب «غیر» در زمینه «خودی» مستلزم ایجاد تطابق و هماهنگی میان آن دو است.

اجزاء جدید فقط هنگامی قادر به نفوذ به زمینه موجود خواهند بود که امکان برقراری ارتباط و پیوند با آن را داشته باشند و در صورتی که به عنوان وصله‌های ناهماهنگ ظاهر شوند، توسط زمینه رد خواهند شد.

به عبارت دیگر در صورتی که یک عنصر بیگانه - در شکل اولیه و یا با ایجاد تغییر - توانایی تطبیق با زمینه خودی را دارا باشد، امکان همنشینی و ترکیب با آن را خواهد داشت.

لذا می‌توان چنین نتیجه گرفت که «خودی» همان زمینه کالبدی، تاریخی و فرهنگی از قبل موجود است و «غیر» شامل اجزایی است که زمینه موجود آن‌ها را نپذیرفته و رد می‌کند.

زمسنة گرایي حسی شامل مباحث آکوستیک و صدا - بو و لامسه و بینایی و رنگ و چشایی و ....  
ان حس انسانی

**ابعاد توسعه پایدار**

- پایداری محیطی: پایداری محیط زیست یا اکولوژی (صرفه‌جویی در استفاده از منابع طبیعی و حفاظت مؤثر از محیط زیست)
- پایداری اقتصادی: ساماندهی اقتصاد (حفاظت از سطح ثبات و رشد اقتصادی و کارکنان)
- پایداری اجتماعی: برابری در جامعه (پیشرفت اجتماعی بطوری که نیازهای هر فرد شناخته شود)

ایده پایداری محیطی عبارتست از باقی گذاردن زمین به بهترین شکل برای نسل آینده با این تعریف که فعالیت انسان تنها زمانی از نظر محیطی پایدار است که بتواند بدون تقلیل منابع طبیعی یا تنزل محیط طبیعی اجرا شود .

### عرصه کار معماران

عرصه کار معماران نیز با اهداف زیر تبیین می‌شود :

۱. مصرف منابع انرژی در کمترین
۲. استفاده از مصالح تجدید پذیر
۳. حفاظت و عرضهٔ انرژی و بازیافت کامل آن بدون ایجاد آلودگی

### منابع

(Architecture in Context) Christopher Tadgell - The East\_ Buddhists, Hindus and the Sons of Heaven-Routledge (2007)

(History and Ideas 3) Selen B. Morkoç - A Study of Ottoman Narratives on Architecture\_ Text, Context, and Hermeneutics-Academia Press (2009)

(IBM Press) Tilak Mitra - Practical Software Architecture\_ Moving from System Context to Deployment-IBM Press (2015)

(Transcultural Research – Heidelberg Studies on Asia and Europe in a Global Context) Niels Gutschow, Katharina Weiler (eds.) - Spirits in Transcultural Skies\_ Auspicious and Protective Spirits in Arte



Andrew Hinton - Understanding Context\_ Environment, Language, and Information Architecture-O'Reilly Media (2014)

Fang Wang (auth.) - Geo-Architecture and Landscape in China's Geographic and Historic Context \_ Volume 1 Geo-Architecture Wandering in the Landscape- Springer Singapore (2016)

Randall Thomas, Trevor Garnham - The environments of architecture\_ environmental design in context -Taylor & Francis (2007)

Samoilov Konstantin I. - The Kazakhstan's Architecture of the 21st Century in the World Architectural Context. The Album of typical examples